

اچو سدا



هنرمندانای تصویری از پیاکان چهل و نهم حسین

www.ketab.ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگ و هنر شیعه «شیعه»
نگارش مقدمه و زیرنویس تصاویر: محمدتقی اختیاری
مدیر پروژه: سیدعباس صفحی
هنرمندان عکاس: سعید محمودی ازناوه، جاسم غضبانپور، مسعودزنده روح کرمانی، مهدی تیرانی، علی بیات، مجید نورمحمدی، عباس ترخان، حسن الماسی، منصوره معتمدی، علی صولتی، سجاد مختارزادگان، علی دهقان، مسعود نوری
انتخاب تصاویر: موسسه شیعه با همکاری محمدتقی اختیاری، سعید محمودی ازناوه، مسعود زنده روح کرمانی، جاسم غضبانپور و مجید ناگهی
ویراست علمی: میثم توکلی بینا
حروف نگارش عنوان: مسعود نجابتی
طراح بلد: جید زارع
ویرایش تصاویر و صفحه آرایی: عباس ترخان
ترجمه: هبا مراد سالومه مهجور فیروزی
ناشر: روشنای مهر
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۴-۰۴-۵
لیتوگرافی: فرایند گویا چاپخانه صفا فی: علی
با سپاس فراوان از: آزاده حاج حسینی، سنا زادی
قدردان همت و حمایت تمامی عزیزانی که با یار و همراهان بودند هستیم.
تمامی حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به موسسه شیعه می باشد.
آدرس اینترنتی: www.shiagallery.com
عنوان و نام پدیدآور: هنرمندانه ای تصویری از پیادگان چهلم امام حسین علیه السلام / پدیدآورنده موسسه فرهنگ و هنر شیعه (شیعه)؛ نگارش مقدمه و زیرنویس تصاویر: محمدتقی اختیاری؛ مدیر پروژه سیدعباس صفحی؛ ترجمه هبا مراد، سالومه مهجور فیروزی؛ هنرمندان عکاس: سعید محمودی ازناوه... (و دیگران). مشخصات نشر: تهران: روشنای مهر، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.؛ مصور (رنگی). شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۴-۰۴-۵ وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: فارسی- انگلیسی. یادداشت: عکاس سعید محمودی ازناوه، جاسم غضبانپور، مسعود زنده روح کرمانی، مهدی تیرانی، علی بیات... عنوان دیگر: هنرمندانه ای تصویری از پیادگان چهلم امام حسین علیه السلام. موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. سرگوازی ها عکس ها موضوع: Hosayn ibn Ali, Imams III, 625 - 680 , Photographs Laments موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. اربعین موضوع: Hosayn ibn Ali, Imams III, 625 - 680 - Arba'in موضوع: اختیاری، محمدتقی، ۱۳۳۶ -، مقدمه نویسنده شناسه افزوده: صفحی، سیدعباس، ۱۳۶۸ - شناسه افزوده: مراد، هبا، ۱۳۶۲ -، مترجم شناسه افزوده: مهجور فیروزی، سالومه، ۱۳۴۹ -، مترجم شناسه افزوده: محمودی ازناوه، سعید، ۱۳۴۶ -، عکاس شناسه افزوده: Mahmoudi Aznaveh, Saeed شناسه افزوده: موسسه فرهنگ و هنر شیعه رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج ۸۷/۳/۲۶۰ BP رده بندی دیویی: ۹۵۳۴/۲۹۷ شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۳۳۴۸۱

پیش‌گفتار توبی نظیری ۱

مقدمه چراچهلر؟ ۲

نمای چهلر ۳

وحدت چهلر ۵۰

www.ketab.ir

خوان ۲۰

موج ۲۲

عزای ۲۵

کودکان ۲۸

پیران ۳۱

www.ketab.ir

آن روز خونین، گذشت. پیکر تو و یارانت در غربت سهمگین کربلا روی خاک‌ها رها شد، اما نام تو و یاد تو و محبت تو باقی ماند و جاودانه شد. گویی قطره‌های دافسی که از پیکرت بر زمین نشتیده‌ی نینوا ریخت، حرارتی شد که تا پایان جهان قلب‌ها را گرما خواهد بخشید و دل‌ها را همچنان کربلایی خواهد کرد.

شعله‌ی محبت به تو هیچ‌گاه خاموش نشد، در طول قرون و اعصار، گاه به ضرورت ظلم ظالمی، این آتش به زیر خاکستر می‌رفت و از تکیه‌ها و حسینه‌ها به پستوها و مخفی‌خانه‌ها منتقل می‌شد ولی، به زودی شعله برمی‌کشید و خیابان‌ها و بیابان‌ها را پر می‌کرد.

چه دست‌ها از دوستان بی‌نظیرت، به فرمان خلفا و امر بریده شد تا دست کسی آغشته به خاک و مارت نگردد.

چه جان‌هایی از پیروان بی‌نظیرت گرفته شد تا کسی به زیارت جاناتان نرود.

اما هیچ‌گاه نه از شمار یارانت کاسته شد و نه در ایمانسان توبلوی راه یافت.

یاران بی‌نظیرت به نشانه‌ی پیروی از تو و پدرت، اگر انگشته‌ها به دست راست کردند، بسم الله نمازشان را به رسایی گفتند و مهر نمازشان را

نفتی‌آل‌ها و ابل‌ها، سفارش قتل و جنایت می‌گیرند.

اینان دشمنانی بی‌نظیرند که کینه‌ای شان به تو، صفحات تاریخ را رو سیاه کرده است. اما یارانت، آنان نیز بی‌نظیرند.

چه آنان که در روز رجعه، رکنارت تا آخرین لحظه ماندند، آخرین نفس، حامی‌ات بودند، چه یارانی که تا نیمه پیروزی دمند و از هیچ چیز نمی‌بند.

آنها روزی با تمام جهان‌بینت همه‌ی صفحات کتاب آرائش را ورق زدی، از ابتدای هستی تا خاتم نبیستی را جستی و سپس گفتی که یارانی آن چنان وفادار در طول زمان و گستره‌ی زمین سراغ نداری^۱.

در آن نیمروز، یارانت جوارمردی بی‌نهایت را به قافله‌ی بی‌انتهای انسان‌ها نمایاندند برای آن که تو لحظاتی بیشتر بهمانی، جان‌های پاک خویش را فدایت کردند. برای آن که تو در آن ظهر حادثه، نماز بخوانی، به سجده مرگ افتادند.

تاریخ گواهی می‌دهد که چگونه برای شهادت در راه تو، از یکدیگر سبقت می‌جستند. مرگ شریعت گورایی بود که برای نوشیدنش، تشنه‌تر از دیگری بودند.

کردند و مسجد‌ها ساختند، چه شب‌ها، نماز شب‌ها خواندند و چه روزهای عاشورا که روزه‌ها گرفتند.

با تربت مزارت، قرن‌ها جنگیدند، بارها بارگاهت را ویران کردند، قرن‌ها برای آن که نامت بمیرد، بی‌رحمانه هر چه و هر که نام و یاد تو را داشت به نیستی و نابودی کشاندند.

دشمنی بی‌نظیرشان با تو، میراث نکبت‌باری بود که خونخواران و جایتکاران، نسلی پس از نسلی، به ارث باقی می‌گذارند.

از دیروز بیریدها و خجّاج‌ها و موگل‌ها تا امروز وهایی‌ها و صدامی‌ها و بغدادی‌ها.

اگر روزگاری تنها شکنجه می‌کردند و می‌کشیدند، ایک به تهمت کفر و شرک، ابتدا مفتیان در برابرهایشان فتوا به حلیت خون‌ها می‌دادند و سپس مردم آن آموکش و ناموس‌ها می‌دهند، سپس مردم آن آموکش به وعده بهشت و حورالعین می‌کنند و تکه‌تکه می‌کنند و می‌سوزانند.

اگر آن روزهای دور را برانند، را با نیزه و تیغ و شمشیر می‌کشیدند، امروز یارانت را با نازجک و بمب و کمربند انفجاری، به خاک و خون می‌کشند.

اگر آن روزگار با سکه‌های طلایی خلسا، مزدوری و آدمکشی می‌کردند، امروز با ریال‌ها و درهم‌های

نه تنها تو بی‌نظیری که هر آن چه نیز وابسته‌ی ترست بی‌نظیر و بی‌ماند است.

نه زمین نظیر تو را سراغ دارد، نه زمان چون تو به خود دیده است.

دشمنان و دوستانت نیز بی‌نظیرند.

از همان روز تاریخی و از همان جغرافیای ناخوانمردی.

از عاشورا و کربلایی که دشمنان بی‌نظیرت، در برابر قافله‌ی تو و یاران اندکت که با تباهی بیعت نکردند بودند، صف کشیدند، نه راهی برای گذشتنت گشودند و نه به بازگشتت رضایت دادند.

دشمنانت یا ذلت تو را می‌خواستند یا مرگ تو را و تو به ذلت، هیئات گفتی و مرگ را سعادت خواندی.

آن دهها هزار تو و دهها یارت را به جلالی بی‌نظیر و ستیزی نابرابر تشنه کشیدند. سربانیان را به فسادی بی‌نظیر بریدند و بر نیزه‌ها کردند.

پیکره‌ایان را زیر سسم اسبان تازه‌نعل کرده‌ی خویش، خرد و متلاشی کردند. نه تنها کودکان و زنان غارت زده و بی‌پناه، که انسانیت و آزادی را به اسارت بردند و آنان را آواره بیابان‌ها و شهرها کردند.

به شکرانه‌ی پیروزی موهوم بی‌نظیرشان، مسجد‌ها

از خاک کربلای تو برگردند اما هر ساله وقتی به اربعین تو می‌رسیدند هم لبنان، زیارت اربعین تو را زمزمه می‌کرد و هم دل‌هایشان روانه قتلگاه تو می‌شد.^۱

یا پیاده پای تن، گام به سرزمین تو می‌گذارند یا سواره بر خیال، برگرد مزارت می‌گردیدند.

تا این سال‌ها که کینه‌ورزی دشمنان بی‌نظیرت، به اوج رسید و چهره‌ای منحوس‌تر و منفورتر یافت. پس، یاران بی‌نظیرت، آمدند تا اربعین هر سال را به نمایش بزرگ محبت و عشق مبتدل سازند و بزرگ‌ترین همایش بشری را رقم زنند. اگرچه خبرگزاری‌ها خاموشی گزینند و خبرنگارها چشم فروبندند و هیچ نگویند.

ایک هر ساله این هزاران هزار عاشق بی‌نظیر و این میلیون‌ها سرگشته‌ی بی‌مانند که در میقات حسینه‌ها و نکیه‌های کودک‌ی احرام، تورا بر جان کرده‌اند، پیاده می‌آیند. وقتی به کعبه‌ی عشق می‌رسند، لبیک می‌گویند و در بین‌الحرمین تو، به سعی می‌پردازند و هروله می‌کنند، چه باک اگر در این حج بی‌نظیر خویش را قربانی کنند و خون خویش را به خون مولای خویش پیامیزند.

در این جا، نژادها، رنگ‌ها، قومیت‌ها و زبان‌ها همه یکی می‌شود. تبار همه به مردی تنها

در صحرائی سوزان می‌رسد. رنگ همه سبز و گلگون است. قومیت همه کربلایی است و زبان‌ها همه عاشورایی، با فریادهایی یکسان:

لبیک یا حسین،

این جا همه زائرند. همه عاشقند. کسی میزبان نیست. کسی میهمان نیست.

هر کس هر چه دارد می‌آورد. از نان تا جان. از جرعه‌های آب تا قطره‌های خون.

و در راه تو می‌بخشد. همان‌گونه که تو «خون قلبت را بدل کردی و بخشیدی تا انسان‌ها از گرداب

جهل به درآیند و از تیراه گمراهی رهایی یابند»^۲ دوستان هم بی‌نظیرند.

۱. اشاره‌ای است به سخنان امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا که می‌فرمود: من یارانی برتر و بهتر از یاران خویش نمی‌شناسم. (کتاب ارشاد، شیخ مفید)
۲. اشاره‌ای است به حدیثی از امام حسین علیه‌السلام که علامات شعبان را بر می‌شمار و در آن به این موارد تأکید می‌فرماید. (کتاب اقبال، سیدین‌عاصوس)
۳. اشاره‌ای است به جمله‌ای از زیارت اربعین که در آن آمده است که: امام حسین علیه‌السلام خون قلبش را بدل کرد تا بندگان خدا از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات یابند.



تاریخی به جای مانده از آن دوران یا در موزه‌ها و نگارخانه‌های ایران و جهان می‌توان یافت.

با پیشرفت تکنولوژی و پدیدار شدن هنرهای نو مانند عکاسی باز هم فرزندان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در هنرهای جدید، حضوری شایسته و جدی از خود نشان دادند.

به ویژه وقتی عکاس هنرمند تصمیم می‌گیرد تا با سیل عاشقان و دلباختگان همراه شود و تصویربرداری لحظات ناب، باشد باز هنر او حتی دیگر می‌یابد و زیبایی عکاسی با زیبایی بی‌ظنیر پیاده‌روی پیادگان عاشق در هم می‌آمیزد و تابلوهایی زیبا پدیدار می‌گردد.

موسسه‌ی شیعا با ارائه‌ی کتاب «چهل و پنج» بر ثبت و ماندگاری هنرمندانه‌ی این رهنموری بگانه، مفتخر است.



موسسه‌ی شیعا

آنان که حتی دستی اندک و کوتاه در فرهنگ و هنر دارند همه ناگزیرند تا به غسای فرهنگ و هنر شیعی اعتراف کنند. فرهنگی که میراث بر پیشوایانی است که در قلدسازی رنگ زمانه‌ی خویش و همه‌ی زوایا درخشند. فرهنگی که از بلاغت و بخش‌ی و ساعری امیر کلام علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) سائر پیشوایان ادامه می‌یابد کتابت و نشینوری سائر پیشوایان ادامه می‌یابد در طریقه‌ی فرزاد معماری و نگارگری و تذهیب و نقاشی و هنرهای گونه‌گون شیعیان جلوه‌گر می‌شود.

این‌گونه است که در تمامی سلسله‌هایی که در سرزمین‌های اسلامی تشکیل گردید چه خفایی که مستقما و به ناحق بر خور نام جانشین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نهاده بودند و چه سلسله‌های غیر مستقلی نظیر غزنویان و سامانیان و خوارزمشاهیان، به وضوح یا به تقیه حضور هنرمندان و فرهیختگان شیعی دیده می‌شود. اما شکوفایی و حضور بی‌ظنیر شیعیان هنرمند را در دوران صفویه و پس از آن شاهدیم و جلوه‌هایی از این هنرهای گونه‌گون را در جای جای ابنیه

